

باز خورد مخاطب را چطور دیدید؟ در جشنواره که استقبال قابل توجه بود؛ اما در همین روزهای اکران مخاطب چه برخوردی با این فیلم داشت؟

قلب رقه در جشنواره خیلی خوب دیده شد به طوری که جایگاه پر فروش ترین فیلم در اکران استانی جشنواره چهل و دوم فیلم فجر را به خود اختصاص داد آن هم در شرایطی که ما فرصت کار تبلیغاتی و ساخت تیزر رسانه‌ای نداشتیم و به بیان دیگر کار جدی برای تبلیغات فیلم نکردیم.

در اکران عمومی که از ۲۴ مرداد شروع شده به حمدالله در ۱۵ روز اول اکران، از مرز سه میلیارد تومان عبور کردیم و پر فروش ترین فیلم غیر کمدی بوده‌ایم و همین‌ها به همکاران انگیزه می‌دهد و حال مان را خوب می‌کند.

موضوع داعش با توجه به اثر گذاری چشمگیر در منطقه و جنگ‌ها و داستان‌های متعددی که به همراه داشت، به لحاظ تصویر و داستان می‌تواند هم برای سینما پرکشش و ویژه باشد، اما به نظر بسیار مغفول مانده است. شما که به این موضوع ورود کرده‌اید، مهمترین دلیل آن را چه می‌دانید؟

در وهله اول، دغدغه تهیه کننده، کارگردان و نویسنده مهم است. بخش دوم هم این است که آیا دستگاه‌های مختلف که متولی هستند، رفتند سراغ موضوع و سفارش اثر داده‌اند یا خیر؟ در کارهای بیگ پروداکشن و استراتژیک باید دستگاه‌های مرتبط با موضوع، دغدغه‌مند ورود کنند تا یک فیلم سینمایی ساخته شود.



خیلی از گروه‌های فیلمسازی برای همین همراهی یا عدم همراهی تیم، با رفتن به خارج از تهران مشکل دارند حالا فکر کنید یک گروه باید خارج از ایران کار کند آن هم نه دبی و پاریس بلکه سوریه که درگیر جنگ است. ما در شهر حمص فیلمبرداری می‌کردیم، چندین ماه قبل از ورود ما به سوریه، رژیم صهیونیستی به حمص حمله نکرده بود اما پس از شروع کار ما در سوریه ۴ بار به استان حمص حمله کرد.

می‌شد، علاوه بر دوری از خانواده، تقریباً هر هفته با استرس و اتفاقاتی از دور و نزدیک برخورد داشتند و کوچکترین خبری که می‌شد علاوه بر نگرانی خودشان، خانواده‌ها هم با دلنگرانی پیگیری می‌کردند. پس از پایان فیلمبرداری قرار بود کل گروه با یک پرواز به ایران برگردد که صبح همان روز اعلام کردند که نصف گروه باید بماند و دوباره بچه‌ها درگیر این موضوع شدند که چند روز باید بمانیم و چقدر طول می‌کشد. سحر همان روز اسرائیل برای چندمین بار فرودگاه را زد و مشکل برگشت تجهیزات ما به ایران پیش آمد. اینها ۲،۳ مورد از مشکلات فیلمبرداری ما در سوریه بود.

موضوع جبهه مقاومت از آن سوژه‌هایی است که بسیاری سمت آن نمی‌روند. شما چرا با توجه به دشواری‌های ساخت این فیلم برای تهیه این قصه پیش رفتید؟

به هر حال هر کارگردان و تهیه کننده‌ای برای تولید فیلمش باید یک موضوع یا داستانی انتخاب کند؛ اجتماعی، طنز، انقلاب و دفاع مقدسی و یکی هم دوست دارد در حوزه مقاومت کار کند، در این حوزه پنج اثر نمایشی هم نداریم. مساله دغدغه از یک طرف و اینکه در سال‌های اخیر فیلم سینمایی در ژانر اکشن هم بسیار کم تولید شده است از سوی دیگر با توجه به کمبود فیلم اکشن انتظار می‌رفت اگر اثر خوبی ساخته شود با استقبال خوب مخاطب روبرو می‌شویم. با مجموع اتفاقات و متن نهایی به این نتیجه رسیدیم که این کار باید ساخته شد. ضمناً ساخت و تهیه یک فیلم سخت، بسیار جذاب‌تر است.

آن هم با وجود موقعیت بحرانی و جنگی که در آن کشور بود. در واقع تولید فیلم‌های جنگی در ایران به مراتب سخت‌تر از فیلمسازی در کشور سوریه بود.

نکته جالبی بود که اشاره کردید؛ درباره چرایی آن هم بگویید.

همان داستان قدیمی قیصر و قیف (و می‌خندد). نمی‌شود خیلی هم مستقیم ورود کرد، چون به خیلی‌ها بر می‌خورد. اما عمل نکردن دستگاه‌ها به وظایف اصلی و شاید بدقولی بعضی از دوستان باعث شده که از برخی مسئولان سلب اعتماد بشود و کارهایی را انجام ندهند و ما را درگیر نامه نگاری‌ها و کاغذبازی کنند. در روزهای ابتدایی فیلمبرداری وقتی در ایران کار می‌کردیم یک سلاح هم به ما نمی‌دادند، ابتدای کار تمام سلاح‌ها ماکت بود. هر چه این در و آن در زدیم نشد که نشد، مجبور شدیم با قسم به مقدسات از فرمانده یکی از پایگاه‌های نظامی یک عدد تیربار دوشکا گرفتیم و کار را پیش ببریم.

حضور عوامل قلب رقه در سوریه چقدر طول کشید و با توجه به شرایط خاصی که در این کشور حاکم بوده، آیا اتفاق ویژه‌ای هم رخ داده که تیم تصویر و بازگویی را تحت شعاع قرار دهد و مثلاً باعث شود کار برای مدت طولانی با چالش روبرو شود؟

ما حدود ۲ ماه در سوریه فیلمبرداری کردیم؛ ورود ما همزمان شد با حمله اسرائیل به یکی از فرودگاه‌های سوریه، وسایل و تجهیزات فیلمبرداری قرار بود از همان فرودگاه وارد کشور سوریه شود. از همان روز اول و پس از شنیدن این خبر دچار این دلهره شدید که آیا وسایل و تجهیزات ما سالم است یا نه؟ زدند یا نه؟ اما خوشبختانه تجهیزات با چند روز تأخیر به دست ما رسید. چند روز پس از شروع فیلمبرداری، منطقه‌ای در استان حمص توسط جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بمباران شد همان شهری که ما در آن فیلمبرداری میکردیم و باز چالش ایجاد شد. از سوی دیگر گروه مسلحین یک کانال خبری تلگرامی داشتند که عکس پشت صحنه فیلم را گذاشتند و عنوان کردند که یک گروه ایرانی در شهر حمص و در بازار اصلی شهر در حال ساخت فیلمی با موضوع داعش هستند. این نوع اطلاع رسانی می‌توانست حاشیه ساز شود و من بیش از ده روز درگیر این موضوع بودم که این خبر می‌تواند اقداماتی را در پی داشته باشد که الحمدلله با حمایت و تدابیر امنیتی ارتش سوریه و مستشاران نظامی ایران اتفاقی رخ نداد. چند روز بعد مجدداً رژیم صهیونیستی شهر حمص را هدف قرار داد، کنار پمپ بنزینی که بچه‌های ما می‌رفتند و بنزین می‌زدند از زده بودند و همه در این فکر بودند که ممکن بود زمان حمله، تیم ما هم آن جا باشد. کل گروه متوجه این اتفاقات می‌شدند و همین باعث استرس بیشتر عوامل

